

پادداشت

جرعقیل و نظام برنامه ریزی کشور

احمد سمیعی



چندی پیش هنگام فریب بعد از خروج کارکنان سازمان مدیریت و برنامه ریزی در یک اقدام به ظاهر انقلابی، جرعقیل بلندیگر دیده می شد که سفارش برداشتن عنوان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بود. می توانست در ده روز هر فرد آشنا با امور جاری کشور نامی می کرد این بود که آیا واقعاً مشکل اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور پیش آوردن نام این سازمان است؟ آیا وقت آن رسیده است که رابطه ناپایمان و وضعیت فعلی اقتصاد کشور را با عقیم کردن این نهاد فریختنی، کلان نظر و نظارتی بدون تعصب و بغض به ارزیابی بینیم؟ هیچ فرداگی مگر بیماری های این سازمان تودلی این بیماری را که با یک جراحی می توانست مردم را که باید با موم طاعون سوزاند - آیا وقت آن نشده است که بین مدیریت عملیاتی در شهرداری با مدیریت استراتژیک کمک ملی تفاوت قائل شویم؟ در مجلس هفتم با همه فر و نشیب میاش راجع به اقدام فرقیاتی انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی در شأن و جایگاه و شش دست و در تمام این بعد از مصوبه غیر قانونی شورای عالی اداری، نام سازمان مدیریت و برنامه ریزی را در اختیار امیر کرمانشاه این نخستین آزمون مجلس هفتم در حوزه بهداشتی امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد. امید آن می رود که مجلس با برخورد فعال و متفعلانه موضوع نسبت به این اتفاق بین نسلی و تاثیر گذار در تاریخ کشور در شأن و منزلت خود بیندیشد. فکر ضرب المثلی از ملاضرب الدین خانی از لفظ نیست که از وی و سیدضرب تثنیع اجازه گرفته است. در کجای دولت حرکت است. در پشت (درویش) در جلوی دست راست یا سمت چپ و او را بخ گفت در هر جایی تاپوت باقی استکالی مبارک فقط دعا کن در خوبان تو باشی. مجلس هشتم چه در پشت و چه در شش دست و چه در جلوی دولت توغالی ندارد. این فرصتی است که می تواند خودش برای خودی شائبت و منزلت یافیند.

برداشت اول

افق نظام تدبیر قابل تشخیص نیست

بازیگر مردوخ



سازمان برنامه ریزی کشور سازمانی بود که مدت ۶۰ سال توانست بخش های قابل توجهی از منابع مالی دولت و بخشی خصوصی را در راه تامین منابع سرمایه ای برای توسعه زیربناها و توسعه تولید و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم کند. بدون تردید طی این سال ها اگر چنین سازمانی وجود نداشت تمام منابع کشور که عمدتاً از نفت تأمین شده بود، صرف واردات کالا های مصرفی همچون کالا هایی که در چند سال اخیر واردات آنها توسعه یافته است، می شد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور علاوه بر علت وجودی ساختاری، بر اساس علت های وجودی دیگری که امروز برایش می شناسیم به وجود آمده بود که متأسفانه با تغییر جایگاه آن انتظار نمی رود که سیاست های اقتصادی در جهت مصالح و منافع آینده کشور طراحی و به اجرا درآید. چرا که اداره اقتصاد کشور می مانند ایران با ویژگی های ساختاری که دارد بدون برنامه ریزی به هیچ جا نخواهد رسید و این امر را بارها تکرار کرده ایم که لازم نیست دنبال الگوهای خودساخته و... برای ضرورت برنامه ریزی باشیم؛ در چارچوب اقتصاد بنگاه می هم می توان منطقی قوی برای ضرورت برنامه ریزی در کشور پیدا کنیم و آن منطبق این است که دولت در کشور ما بنگاه می است که بین ۱۰ میلیارد دلار تا ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد از یک بخش اقتصاد دارد آن هم نفت و گاز است و اگر دولت را فقط یک بخش اقتصادی تصور کنیم آیا کمپانی ای در دنیا سراغ داریم که با ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار درآمد بدون برنامه زندگی کرده و فعالیت کند؟

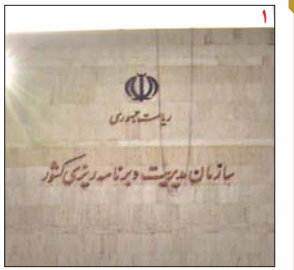
دولتی که ۱۰ میلیارد دلار در درآمد دارد اما خرج سالانه اش حدود ۳۰ میلیارد دلار است باید بتواند به صورت منطقی برنامه ریزی کند تا هدف اصلی اش

شود که بخش خصوصی را توانمند کند تا بتواند در این خصوصی سازی مشارکت کند. این مطلبی است که در قانون ناظر بر حساب ذخیره ارزی پیش بینی شده و جادارده که با یک مطالعه دقیق و عملی این مطلب در شرایط قانونی حساب ذخیره ارزی پیش بینی شود.

در این میان با وجود اینکه برخی معتقدند با این رویه دولت به نظر می رسد دولت مهم عقیده ای به برنامه پذیر کردن اقتصاد ندارد، تردید ندارم که دولت مهم دارای چارچوب برنامه ای درگیر برنده اهداف مشخص و سیاست های معین است.

کما اینکه در این چند سال اخیر، شاهد اجرای بخشی از این سیاست ها و تحقق بخش های اندکی از هدف های آن بوده ایم. احتمال می رود که دولت مهم با عملکرد سازمان مدیریت و برنامه ریزی به شیوه ای که در ۳۰ سال اخیر بوده موفق نبوده است؛ نه اینکه مخالف مطلق برنامه ریزی باشد. اگر این تصور درست باشد انحلال و حذف یک دستگاه کارشناسی امین دولت و مجلس راهکار مناسب نبوده و هم شد به جای آن به اصلاح این سازمان در نظام برنامه ای و بودجه ای کشور اقدام کرد؛ به طوری که نقش یک دستگاه متفکر کارشناسی در کنار دولت و درون دولت و در خدمت مجلس، هر چه بیشتر تقویت شود، چرا که شرایط چنین اجباب می کند.

در این میان به نظر می رسد که آینده نظام تدبیر در کشورها به خصوص در مسائل اقتصادی قابل پیش بینی نیست. سیر حرکت ها و جهت گیری های ما که تاکنون شاهد آن بوده ایم فاقد هم گرای به صورت یک استراتژی معین و یک سناریو مشخص است. در نتیجه افق این سناریو در حال حاضر قابل تشخیص نیست.



صحنه مورد اعزامی دولت به سان در عملکرد، نابلی سازمان مدیریت و برنامه ریزی در امور ایستگاه های نفت

گروه اقتصاد: اینکه اقتصاد ایران از چه الگو و روشی برای رسیدن به توسعه ثبیت می کند شاید اصلی ترین پرسش اقتصادی باشد که این روزها از سوی تحلیلگران زیادی مطرح می شود اما هنوز هیچکس، حتی تصمیم گیران اقتصادی نیز نتوانسته اند پاسخی برای آن ارائه دهند.

البته به نظر می رسد باید به همه اهالی اقتصاد ایرانی حق داد چون بیگان اقتصاد کشور در سه سال گذشته به سمتی چرخیده است که بدون تعارف تخمین موعیقت آن امروز به کاری غیر ممکن تبدیل شده است.

شاید برای اثبات این موضوع، باید کشیدن تابلوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی بهترین مثال باشد. دو شب پیش و در شروع ساعات پایانی روز مسوولان دولت مهم با فرستادن یک صخره نور در وی دیوارهای ساختمان سازمان مدیریت و برنامه ریزی و برنامه ریزی و پلین کشیدن تابلوی این سازمان

منحل شد. مدیریت و برنامه ریزی کشور یک بار دیگر این تصویر را در تاریخ اقتصادی ایران ثبت کرده که اگر چه بسیاری از تحلیلگران اقتصادی کشور و همچنین کارشناسان بین المللی بر این باورند که اقتصاد باید برنامه پذیر باشد، اما در مقطعی فعلی تصمیم گیران اقتصادی با انحلال بزرگ تریان نهاد برنامه ریزی کشور معتقدند که می توان اقتصاد را بدون برنامه پذیر بود.

نزدیک شدن به توسعه در هر شرایطی باید برنامه پذیر باشد. به عبارتی دیگر حتی اگر در جایی معماران اقتصادی به برنامه ریزی نیز وارد داشته باشند برای این بی برنامه گی نیز باید صاحب برنامه ای باشند.

از این منظر به طور حتم بهتر می توانیز به برنامه پذیر شدن اقتصاد را در یک کرد دستور صرا برای اقتصادی نظیر ایران که در سه سال گذشته مدت همزمان با افزایش شدید درآمدهای نفتی بیش از سایر کشورهای دیگر به پیش نفتی وابسته شده است. در این شرایط باید برنامه ریزی که انحلال سازمان مدیریت می تواند جایگاه شریک را در فرآیند اقتصاد بزرگ کند.

جالب اینجاست که امروز هم در دستگاه دولت و هم در سایر بخش های اجرایی بسیاری با انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریز مخالف هستند ولی به همت رئیس جمهور و تعدادی از اعضای کابینه همچنان همه چیز بر پایه همان عیان اقتصادی می چرخد که در سه سال گذشته ساختار اداری اقتصادی کشور را با بحران مواجه کرده است.

به عبارتی دیگر هر چند که در حال حاضر نهادهای قضایی می گویند که در حال بررسی انحلال سازمان مدیریت و شکایت های موجود در رابطه با این انحلال هستند اما دولتی ها در غروب یک روز به گونه ای تابلوی سازمان مدیریت روزگار خروج از مدار برنده پذیر بود اقتصاد ایرانی به یاد کار می مانند.

با این حساب باید گفت که دیگر هیچ راهی جز باور اینکه سازمان مدیریت باید پافته اند، وجود ندارد و ادعای رسیدگی به این فرآیند نیز به احتمال زیاد یک شوخی اجرایی محسوب می شود. در ۳۰مهر ۱۳۸۷ سازمانی متشکل از قوه قضاییه از مجلس جلسات متعدد در مورد عدالت اداری برای بررسی موضوع انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی برپا کرد.

در روز ۱۰ آبان گفت: در این جلسات نمایندگان بخش های مختلف و نمایندگان دولت حضور دارند و روند رسیدگی همچنان ادامه دارد.

سخنگوی قوه قضاییه گفت: دیوان عدالت اداری نتوانم مرجع رسیدگی به شکایات از مصوبات است و این دیوان متعلق به مراحل رسیدگی به این نتیجه برسد که مصوبات، چنانچه در قوانین مقررات نیست، آن را برمی کند.

مجلس نیز در آذرماه ۱۳۸۷ سخنگوی قوه قضاییه از هیات محترم در مورد اداریت است. در این جلسات نمایندگان هیات عدالت اداری از طرح درخواست علیه قضاییه هیات وزیران مبنی بر انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دیوان

به بهانه پایین کشیدن تابلوی سازمان مدیریت توسط صخره نورد دولتی حکمرانی بی برنامه گی بر اقتصاد

اقتصاد ایران از محدوده برنامه پذیر بودن خارج شده است

عدالتی سر داد.

مقاله سر فرد تصریح کرد: تاکنون چند داخواست در خصوص شناسنامه

هیات وزیران شده که داخواست اصلی از سوی سازمان بازرسی کل کشور در

مروم یک تراژی تلخ

همزمانی بحران اقتصادی با فاجعه فقدان برنامه ریزی



گرفت. احمدی نژاد یک روز بعد از انحلال سازمان نظارتی درون دولتی گفت: سازمان مدیریت و برنامه ریزی باید فقط به دنبال ارائه راهکار و آوارگی اشتغال از تجربه می کنند.

اجرائی و اداری شد و از وظیفه اصلی خود فاصله گرفته بود. در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۲-۸۸) جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی مستقر بود در اجرائی این برنامه نظارتی لازم را به عمل آورد و در کوچک سازی و متناسب سازی حجم دولت عمل کند.

حال با از رفس دولت مهم پس از آن با انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی و تشکیل یک معاونت جدید در ریاست جمهوری، بدنه آن نهاد تخصصی و نظارتی، به وظیفه اصلی خود می پردازد و از درگیر شدن در مسائل اجرایی و اداری پر همز می کند یا خیر؟

شاهد نشان می دهد که حجم دولت در رستای دستیابی به توسعه اقتصادی مورد نیاز کشور ایران را به اندازه ۲۵ درصد کاهش داده است. البته این ۲۵ درصد نرخ تورم هم کاملاً مستند نیست، چرا که دولت مهمی با با دستکاری و تحریف الگوی تورم سنجی، تورم کشور را بین تر از حد واقعی نشان می دهند. در قانون برنامه چهارم توسعه، شرح برداشت های ارزی دولت تعریف مشخص شده بود و سازمان مدیریت و برنامه ریزی، بر بانی ملاندر برداشت ارزی دولت نظارت می کرد. اما دولت مهمی ها با نابود کردن نهاد نظارتی درون دولتی، به معصر کردن همه درآمدهای نفتی روی آوردند و کشور را برای دوم گرفتار بیماری هلندی کردند. این بیماری حاصل تریبش نیز از حد درآمدهای نفتی و راهی ندن به نقدینگی بود که کشور دچار بیماری هلندی شد. در سال های قبل از انقلاب بود. در آن سال ها درآمد نفت ایران ۴۰ برابر شده بود. حد ۲۰ میلیارد دلار رسید و برخی از سردمداران آن رژیم تصور می کردند با مصرف کردن همه درآمدهای نفتی و احداث پروژه های عمرانی می توانستند کشور را به سرعت به دروازه تمدن برسانند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران قرار بود برای اجرای این سند، ۲۰ ساله کشور و برنامه های ۵ ساله توسعه ایران بود. بر اساس این سند، ۱۳۴۲ میلیارد دلار بود. اما گام مهم هر تحقق این هدف متناسب با شرایط دولت و در واقع درآمد کردن دولت بود. این وظیفه همه نهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی گذاشته شد. در قانون برنامه چهارم مقرر شده بود که در هر ۱۰ درصد برسد، رشد نقدینگی ۲۰ درصد برسد و رشد اقتصادی کشور به فراتر از ۸ درصد برآید. اما در واقع رشد سیستم تعریف شده برنامه ریزی، یک تراژی ناکور را رقم خورد. تورم به بیش از ۲۰ درصد رسید و نقدینگی به ۴۰ درصد رسید و در عین حال درآمد نرخ رشد اقتصادی در حدود درصد متوقف شد و بدین صورت کشور دچار بحران شد. یک طرف قدرت خرید مردم به حد کاهش یافت و از طرف دیگر همه درآمدهای نفتی و از جمله درآمد ۷۸۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ به معصر رسید و تورم افراطی گسترده را در مردم تحمیل کرد. در نهایت حاصل تصمیم احمدی نژاد در انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی، کشور را برای بار دوم گرفتار بیماری هلندی کرد و تحولات ایجاد شده در تضاد با قانون قرار داد، نه تنها نتوانست بهبودی را برای اقتصاد کشور رقم بزند، بلکه موجب شد کشور در نبرد یک سازمان تخصصی و نظارتی، سرگردانی ناگوری از تجربه کند.

از ویژگی های برجسته دولت مهم، تصمیم گیری خلق الساعه و گاه غیر قانونی است. این تصمیم گیری که دولت مهمی های گویند با بنیت و هدف بهبود بسیار سریع معیشت و وضع اقتصادی مردم ایران انجام می شود یکی از تصمیماتی که دولت مهم در همان ابتدای کسب قدرت اتخاذ کرده، توسعه بنگاه های روزبازده بود. کشورش کمی ای بنگاه ها با تزریق هزاران میلیارد تومان از درآمدهای مملکت پنهانوار ایران اتفاق افتاد. البته این نوع گسترش عمدتاً برای کافدرخ داده و بنگاه های زودبازده به شکل موفق استقرار پیدا می کردند. باید تأثیر تولیدات آنها را در تولید ناخالص ملی و صادرات کشور، به وضوح ببینیم. اما صادرات ۱۲ میلیارد دلار در کالاهای صنعتی در سال ۱۳۸۶ نشان از آن دارد که اقتصاد و صنعت ایران در چتره تصمیم گیری های خلق الساعه و احساسی گرفتار آمده است. اوضاع ناپایمان مسکن، مرغ، تخم مرغ، چای، قند و شکر، گوچه فرنگی، نان و اقلام و کالاهای ضروری خانوارهای ایرانی در ۳۰ سال زمامداری احمدی نژاد و دولت مهمی ها، پیام روشنی دارد و آن اینکه این دولت با ابراج کارشناسان برجسته و با تجربه از بدنه دولت و انحلال نهادهای تخصصی تصمیم گیری و تصمیم سازی، کشور را بدون برنامه و به صورتی روزمره اداره می کند.

جلوه بارز این مدیریت روزمره و شخصیتی در انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی تصمیم حثی رئیس آن که منصوب احمدی نژاد بود در جریان منحل کردن آن نبود و فقط با اشنای احمدی نژاد مبنی بر انحلال قطعی این سازمان، همگان از این نوع و تصمیم گیری اطلاع یافتند.

البته پیش از آن احمدی نژاد صرفاً به موضوع اصلاح ساختاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی اشاره کرده بود. اما هیچگاه موضوع اساسی انحلال آن مطرح نشد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی با پشتوانه ۶۰ ساله، طی چند دهه گذشته به عنوان یک نهاد فرایشی، بر نحو مصرف منابع دولت نظارت می کرد و تا حد امکان تلاش داشت این منابع به صورت بهینه به مصرف برسد و از هر گونه مصرف سلیقه ای و غیر کارشناسی جلوگیری کند.

در دور اول ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی، این سازمان با اقدام سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اقتصادی کشور، به وجود آمد و با اتکا به توان تخصصی و کارشناسی خود، در پی آن بود که نظام برنامه ریزی کشور را یک کلام جلوتر ببرد و مدیریت و برنامه ریزی را از حالت تخصصی و سلیقه ای و سازمان داری کل آمدن احمدی نژاد، روی تصور می کرد با حذف سازمان های تخصصی تصمیم گیری می تواند به سرعت کشور را از قله های پیشرفت برساند و به زعم خود کوتاه می و تصور دولت های قبل را برچاند کند. احمدی نژاد در مرداد ۱۳۸۲ به قدرت رسید. روی در سال ۱۳۸۵، شاهد اعلام استانی تازد فریختنی سازمان مدیریت و برنامه ریزی را از ریاست جمهوری استناداری ها قرار داد. این اقدام موجب شد که بخش زیادی از این نهاد فرایختنی و نظایر بر وزان بمانند و دستگاه های دولتی، سبب مجموعه یک دستگاه دولتی قرار گیرد و در واقع این نهاد تخصصی، تحت اشکال نهادهای سیاسی به حیات خود ادامه دهد. در این مرحله دولت مهمی ها با این نوع تغییر ساختار آن سازمان را در راستای تمرکززدایی و پیشرفت در امر سانگذاری و عمران استناد اعلام کردند.

در حالی که در این مرحله دولت مهمی می توان فهمید سفرهای احمدی نژاد در تعارض با تمرکززدایی است، چرا که احمدی نژاد و همراهان دولتی او با این سفرها جزئی تری این امور تصمیم گیری استنادها و هم رستنها و روستها می توانند دخالت و نظر خود را به زود دستن خود تحمیل کنند.

و بالاخره در سال ۱۳۸۶ احمدی نژاد تصمیم گرفت سازمان مدیریت و برنامه ریزی را منحل کند. احمدی نژاد در سخنان خود می فرمود: این اقدام تا حدی داشت که موجب شکایت دستگاه های دولتی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی (به منظور تخصصی بودجه) بسیار و تیراگر است.

رئیس دولت مهم با این استدلال انحلال آن سازمان فرایختنی و نظارتی را عملی ساخت و بدنه کارشناسی آن را با عنوان معاونت و برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، زیر نظر خود

دیوان عدالت طرح شده است.

وی افزود: این دادخواست ها از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری در دست بررسی است که نتایج این بررسی ها در مورد ابطال یا عدم ابطال بخشنامه، پس از تصمیم هیات عمومی اعلام خواهد شد.

اولیال سال گذشته دادخواستی از سوی سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال تصمیم هیات دولت در مورد انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی به دیوان مناسب اداری ارائه شد که ظاهراً پرونده آن در حوزو ریاست آن مطرح است و هیات عمومی در حال بررسی این دادخواست و دادخواست هایی مشابه در این زمینه است. اما به نظر می رسد تصمیم مناسبی برای آینده سازمان مدیریت نباشد. دولتی های گونه ای به کار خود ادامه می دهند که نه تنها اثری از سازمان مدیریت باقی نمانده که شرایط اداری به بحرانی برای اقتصاد ایرانی تبدیل شده است.

دیوان عدالت طرح شده است. وی افزود: این دادخواست ها از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری در دست بررسی است که نتایج این بررسی ها در مورد ابطال یا عدم ابطال بخشنامه، پس از تصمیم هیات عمومی اعلام خواهد شد.

اولیال سال گذشته دادخواستی از سوی سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال تصمیم هیات دولت در مورد انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی به دیوان مناسب اداری ارائه شد که ظاهراً پرونده آن در حوزو ریاست آن مطرح است و هیات عمومی در حال بررسی این دادخواست و دادخواست هایی مشابه در این زمینه است. اما به نظر می رسد تصمیم مناسبی برای آینده سازمان مدیریت نباشد. دولتی های گونه ای به کار خود ادامه می دهند که نه تنها اثری از سازمان مدیریت باقی نمانده که شرایط اداری به بحرانی برای اقتصاد ایرانی تبدیل شده است.

دیوان عدالت طرح شده است. وی افزود: این دادخواست ها از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری در دست بررسی است که نتایج این بررسی ها در مورد ابطال یا عدم ابطال بخشنامه، پس از تصمیم هیات عمومی اعلام خواهد شد.

اولیال سال گذشته دادخواستی از سوی سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال تصمیم هیات دولت در مورد انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی به دیوان مناسب اداری ارائه شد که ظاهراً پرونده آن در حوزو ریاست آن مطرح است و هیات عمومی در حال بررسی این دادخواست و دادخواست هایی مشابه در این زمینه است. اما به نظر می رسد تصمیم مناسبی برای آینده سازمان مدیریت نباشد. دولتی های گونه ای به کار خود ادامه می دهند که نه تنها اثری از سازمان مدیریت باقی نمانده که شرایط اداری به بحرانی برای اقتصاد ایرانی تبدیل شده است.

دیوان عدالت طرح شده است. وی افزود: این دادخواست ها از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری در دست بررسی است که نتایج این بررسی ها در مورد ابطال یا عدم ابطال بخشنامه، پس از تصمیم هیات عمومی اعلام خواهد شد.

اولیال سال گذشته دادخواستی از سوی سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر ابطال تصمیم هیات دولت در مورد انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی به دیوان مناسب اداری ارائه شد که ظاهراً پرونده آن در حوزو ریاست آن مطرح است و هیات عمومی در حال بررسی این دادخواست و دادخواست هایی مشابه در این زمینه است. اما به نظر می رسد تصمیم مناسبی برای آینده سازمان مدیریت نباشد. دولتی های گونه ای به کار خود ادامه می دهند که نه تنها اثری از سازمان مدیریت باقی نمانده که شرایط اداری به بحرانی برای اقتصاد ایرانی تبدیل شده است.

دیوان عدالت طرح شده است. وی افزود: این دادخواست ها از سوی هیات عمومی دیوان عدالت اداری در دست بررسی است که نتایج این بررسی ها در مورد ابطال یا عدم ابطال بخشنامه، پس از تصمیم هیات عمومی اعلام خواهد شد.